

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۱ جنوری ۲۰۲۳

ادامه یاهوگویی ها و تحریف های تاریخی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران

علیه اپوزیسیون این بار علیه «کومله»!

کتاب «کومله» جدیدترین نوشته تاریخ نویس حکومتی به نام «محمود نادری» است که امسال در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه شده است. قبل از این که به این کتاب که با سفارش وزارت اطلاعات و سازمان تبلیغات جمهوری اسلامی ایران و با هدف ضربه زدن به کومله و حزب کمونیست ایران آن هم با تحریف تاریخی و دروغ های به اصطلاح شاخدار تدوین شده است بپردازم؛ به عنوان مقدمه این مطلب، به تاریخچه کومله اشاره می کنم تا خوانندگان محترم هرچه بیشتر به تحریف های جمهوری اسلامی و تاریخ نویسان آن پی ببرند.

سازمان زحمتکشان کردستان - کومله، یکی از سازمان های سوسیالیست انقلابی است که از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب مردم ایران و سرنگونی حکومت پهلوی، بر خلاف سازمان های چپ ایران و در کردستان حزب دموکرات کردستان ایران، هرگز روی خوش به جمهوری اسلامی نشان نداد و به سازمان دهی کارگران و مردم محروم و رنج دیده در شوراها (بنکها) و جمعیت ها و سایر نهادهای دموکراتیک روی آورد. تلاش های ارزنده مردمی و انقلابی کومه، هرگز فراموش شدنی نیست و هیچ کس نمی تواند تاریخ درخشان کومله رهبری کاک فواد سلطانی را تحریف کند تا چه برسد به اصطلاح «افشاگری های» وزارت اطلاعات آدم کش و آزادی کش جمهوری اسلامی ایران به قلم فردی به نام «محمد نادری»، صورت گیرد.

کارگران و مردم محروم و آزاده کردستان که پایگاه اجتماعی و طبقاتی کومله در دورن آن ها بود در روز ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ با جان باختن رفیق «محمدحسین کریمی» از رهبران و بنیان گذاران کومله، فعالیت علنی خود را آغاز کرد. کومله در پائیز سال ۱۳۴۸ در متن شرایط اجتماعی خاص آن دوران کردستان و ایران به وجود آمد. شرایطی که با تسلط مناسبات سرمایه داری و فروپاشی نظام فئودالی، روی آوری زحمتکشان روستایی به شهرهای ایران و رشد کمی طبقه کارگری که غیر از فروش نیروی کارش هیچ وسیله دیگری جهت تامین زندگی خود نداشت، مشخص می گردد. رشد کمی طبقه کارگر و تمرکز آن در شهرها، چهره سیاسی جامعه را دگرگون ساخت، همه مسائل اجتماعی را تحت الشعاع قرار داده و مناسبات جدید در جامعه به وجود آورده بود. مبارزه طبقاتی کارگران با سرمایه داران بر سر ابتدایی ترین حقوق خود، بر سرچگونگی بهره مندی از امکانات زندگی شایسته انسان به بخشی از واقعیت جامعه تبدیل

شده بود. در چنین مناسبات و تحولاتی بود که هسته‌های اولیه کومله و آن بخش از روشنفکران انقلابی که در آن دوران، نسبت به مسائل کارگران همبستگی و احساس مسئولیت می‌کردند؛ تلاش کردند تا به مسائل و نیازهای مبارزاتی دوران خود پاسخ دهند. کم نبودند فعالین سوسیالیست کومله که از کردستان تا معادن بازار کار اهواز و آبادان، سمنان و دامغان، کرمان و رفسنجان، تهران و اصفهان، تا دانشگاه‌های تبریز و تهران و از زندان‌های شهرستان‌ها تا زندان اوین، همکاری و همراهی می‌کردند و دوش بدوش کارگران، تلاش کرده تا در میان‌شان بذر آگاهی بپاشند و آن‌ها را با درد و رنج و استثمار بی‌رحمانه سرمایه‌داری، و راه‌هایی از تبعیض و ستم و سرکوب را نشان دهند.

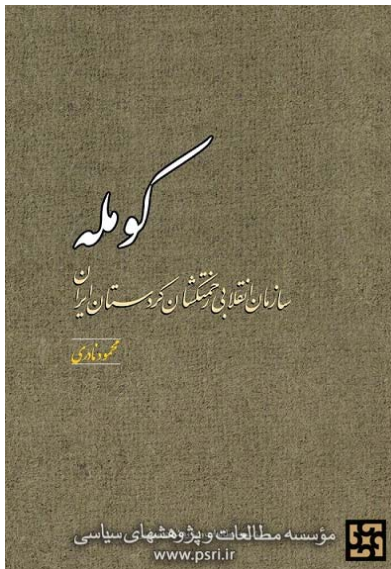
در آغاز انقلاب سال ۱۳۵۷، فعالین و هواداران و کادرهای صفوف کومله در بین کارگران و مردم آزادی‌خواه، به چهره‌های خوش‌نام و سرشناس و مورد اعتماد مردم به‌پایا خاسته و انقلابی در همه شهرها و مناطق کردستان تبدیل شدند. کومله در جواب به مسائل جدید اجتماعی و سیاسی که در آغاز انقلاب بهمن ۱۳۵۷ مطرح شده بودند، اولین کنگره سازمانی خود را در پاییز سال ۱۳۵۷ برگزار کرد. در حالی که هنوز دیکتاتوری حکومت شاه فرصت تدارک سیاسی و تشکیلاتی لازم برای پاسخ‌گویی به مسائل آن دوره را به کومله و سایر سازمان‌های سیاسی نمی‌داد، اما کومله با تمام کمبودها و ضعف‌هایی که داشت با این وجود، تصمیم گرفت که با تمام توان خود مبارزه توده‌ای در کردستان را در راستای منافع کارگران و زحمتکشان سراسر ایران سازمان‌دهی کرد و به پیش برد.

لازم به یادآوری است که کومله یکی از پایه‌های اصلی به ویژه پایه اجتماعی تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ بود. تاریخ کومله و حزب کمونیست ایران پر از جانفشانی‌ها و فداکاری‌ها در حفظ دستاوردها انقلاب ۱۳۵۷ و دفاع از منافع طبقاتی کارگران و مردم رنج‌دیده به‌ویژه مردم تحت ستم کردستان است. البته هیچ شخصیت و سازمان و حزبی در تاریخ مبارزه خود نمی‌تواند بدون کمبود و عیب و نقص باشد و بی تردید کومله و حزب کمونیست ایران نیز در این مورد استثنا نیستند. به خصوص هدف این مطلب نه پرداختن و تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف کومله و حزب کمونیست ایران، بلکه نگاهی به کتاب کومله است که به تازگی در ایران چاپ و با تبلیغات وسیعی علیه کومله و حزب کمونیست ایران منتشر شده است.

شایان ذکر است که پیش‌تر باز هم وزارت اطلاعات و مرکز اسناد جمهوری اسلامی به قلم محمود نادری، کتاب‌های در رابطه با چریک‌های فدایی خلق ایران، حزب دموکرات کردستان ایران و ... منتشر شده است.

استناد عمده این کتاب عمدتاً به اسناد علنی کومله و حزب کمونیست ایران و کنگره‌ها و انتخابات اختصاص دارد اما نویسنده سعی کرده است در لابلای این اسناد واقعی، موضوعاتی را دخالت دهد که ربط چندانی به کومله و حزب کمونیست ندارند و صرفاً با هدف بدنام کردن این جریان و تحریف تاریخ مبارزاتی کومله تنوین و تنظیم شده‌اند.

نادری پیش از این در چندسال گذشته، چند کتاب با موضوع تاریخچه‌ی گروه‌ها و سازمان‌های مارکسیستی ایران معاصر از جمله «مائوئیسم در ایران»، «چریک‌های فدائی خلق» و «حزب دموکرات کردستان ایران» را راهی بازار نشر کرده است.



در یکی از آگهی‌های تبلیغی این کتاب در ایران، از جمله در خبرگزاری کتاب ایران «ایبنا»، آمده است: کتاب «کومله» سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران جدیدترین کتاب محمود نادری که از سوی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی به چاپ رسیده است در غرفه سی و سومین نمایشگاه کتاب تهران عرضه می‌شود.

انقلابی زحمتکشان کردستان ایران با نام اختصاری کومله شناخته می‌شود که تا کنون پژوهش مستقلی در این باره صورت نگرفته است. محمود نادری در کتاب «کومله» که از سوی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر شده به این سازمان پرداخته است.

در کتاب کومله به گرایش حاد مائویستی (مارکسیست - لنینیست) این سازمان و رویکرد آن اشاره شده که در دوره پهلوی دوم شکل گرفت و در تلاش بودند بر اساس برپایی حکومت کارگری خودمختاری کردستان را به دست بیاورند و این حکومت کارگری را در سراسر ایران آن روز بگسترانند. این سازمان که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی از هم گسسته بود سعی کرد که دوباره تجدید قوا کند و به صحنه بیاید.

کتاب «کومله» سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران جدیدترین کتاب محمود نادری که از سوی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی به چاپ رسیده است در غرفه سی و نهمین نمایشگاه کتاب تهران عرضه می‌شود.

فرازهایی از کتاب کومله به قلم محمود نادری:

محمود نادری نویسنده این کتاب در سخن آغازین آن می‌نویسد: «در پیشگفتار کتاب حزب دموکرات کردستان ایران که در سال ۱۳۹۴ انتشار یافت، نوشتم اگر مجالی پیش آید به نقش دیگر بازیگران حوادث خونبار کردستان خواهم پرداخت. اگرچه آن کتاب نیز از بیان نقش دیگر گروه‌ها خالی نیست، اما لازم بود درباره سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران که با نام اختصاری کومله شناخته شده است، پژوهشی مستقل صورت گیرد که اینک نتیجه آن در برابر شما است.»

در واپسین روزهایی که امواج سهمگین انقلاب، آخرین مقاومت‌های حکومت را درهم می‌شکست و از رژیم پهلوی شبحی بیش نمانده بود و عملاً شیرازه و شالوده آن فروپاشیده بود و ساواک به عنوان مهم‌ترین سازمانی که تعقیب مخالفان آن رژیم را بر عهده داشت، به حال تعطیل درآمده بود، چند نفر از کردهایی که به جرم خواندن چند جزوه مارکسیستی دو - سه سالی در زندان سپری کرده بودند، سازمانی به نام کومله (سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران) را تأسیس کردند. نامی را که این سازمان برای خود اختیار کرد، گرایش تند قومی آن را آشکار می‌ساخت.

بنیانگذاران کومله که از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تهران و تبریز بودند در اواخر آذر سال ۱۳۵۷ گردهم آمدند تا بر پایه تجارب پیشین، سازمان مطلوب خود را بنا نهند. میانگین سن آنان حدود ۳۰ سال و عموماً از طبقه متوسط و بعضی هم از طبقه دارا و فنودال بودند و هیچ‌کدام پیشینه طبقاتی کارگری نداشتند. فاصله سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ را می‌توان دوران رکود فعالیت‌های این گروه دانست. در این مدت اکثر اعضا به زندگی عادی روی آورده بودند و مشغول فعالیت‌های عادی شدند.

در سال ۱۳۵۶ به برکت تظاهرات و راهپیمایی‌های مردم ایران که خواستار آزادی زندانیان سیاسی بودند، عبدالله مهدی از زندان رهایی یافت و با عزیمت به کردستان، سعی در سازماندهی و انسجام گروه از هم پاشیده نمود. در بهمن ۱۳۵۷ به مناسبت کشته شدن محمدحسین کریمی، گروه با عنوان سازمان انقلابی زحمتکشان (کومله) اعلام موجودیت کرد و تلاش وسیعی را برای جذب نیرو در شهرها آغاز کرد. این سازمان که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی از هم گسسته بود سعی کرد که دوباره تجدید قوا کند و به صحنه بیاید. این سازمان از درون محفلی زاده شد که به سیاست و

امر مبارزه با حکومت پهلوی تفننا توجه داشت. با آشکار شدن نشانه‌های پیروزی انقلاب در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ اعضای محفل که دیگر از هم پاشیده شده بود درصدد احیای آن و این‌بار در حد و قواره یک سازمان برآمدند. این سازمان در تلاش بود براساس برپایی حکومت کارگری خودمختاری کردستان را به دست بیاورد و حکومت کارگری را در سراسر ایران آن روز بگسترانند. این سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ستیز با انقلاب برخاسته و بدون آنکه درک روشنی از مفهوم خودمختاری داشته باشند آن را از دولتی طلب می‌کردند که هنوز مستقر نشده بود. از سوی کومله جنگ با حکومت بر سر کسب آن مفهوم ناروشن و غبار آلود درگرفت. موضوع خودمختاری بهانه‌ای برای شروع و تعرض به دولتی شد که کومله آن را بورژوازی می‌دانست. تقریباً همه سازمان‌های کمونیستی که پس از انقلاب پدید آمدند با مجال فعالیت علنی پیدا کردند، صرف‌نظر از خوانش آنان از مارکسیسم - لنینیسم در کردستان حضور یافتند و علیه حکومت جنگیدند.

همه آن‌ها به امر واحدی می‌اندیشیدند و آن برپایی حکومت کارگری بود و کردستان را برای این منظور و گستراندن انقلاب کارگری در سراسر ایران مناسب تشخیص دادند. تشکیلات ایدئولوژی کومله از سال ۱۳۶۰ پس از کنگره دوم با دگرگونی‌هایی مواجه بود که حاصل آن فعالیت این جریان تحت نام‌هایی مانند «اتحادیه مبارزان کمونیست» و «حزب کمونیست ایران» طی دو دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ بود. پس از کنگره دوم، کومله در فروردین ۱۳۶۰ در ائتلاف با گروه سه‌گانه «اتحادیه مبارزان کمونیست» را تشکیل داد. البته در پایان دهه ۱۳۷۰ عبدالله مهدی تلاش کرد با احیای دوباره نام کومله، این حزب را بازسازی کند.

موضوعاتی همچون «در سایه پدرخوانده، افسانه جنبش مسلحانه سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۴۶، جنگ سنج، راهپیمایی طولانی، هیأت حل مساله کردستان، طرح خودگردانی، اولین نشانه‌های تجاوز عراق به خاک ایران، کنگره دوم: دگردیسی ایدئولوژیک، کنگره سوم: چنگام دیگر به پس! حزب کمونیست ایران، جدایی سوسیالیسم از ناسیونالیسم، فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم، کنگره یازدهم جناح مهدی: خداحافظ رفیق، حزب کمونیست کارگری و انشعاب‌های دیگر» پرداخته است.

تاکنون چندین انشعاب در درون کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران اتفاق افتاده و احزاب دیگری ایجاد شده‌اند که با نام کومله فعالیت می‌کنند. دبیرکلی کومله سازمان حزب کمونیست ایران را در حال حاضر ابراهیم علیزاده بر عهده دارد.

از زمان برگزاری کنگره هجدهم کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران طی روزهای ۲۳ تا ۲۶ دی ۱۴۰۰، انشعابی در درون این حزب به وقوع پیوسته است که به دنبال آن دو حزب با نام مشابه «کومله، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» و دو حزب با نام «حزب کمونیست ایران» فعالیت می‌کنند.

کتاب کومله و کتاب‌هایی از این قبیل که به قلم محمود نادری علیه اپوزیسیون منتشر می‌گردند جمهوری اسلامی «فرشته» و اپوزیسیون به‌صورت «دیو» نشان داده می‌شوند. در کتاب بیش از ۶۰۰ صفحه کومله، هیچ اشاره‌ای به جنایت‌های بی‌شمار جمهوری اسلامی ایران نشده است.

برای نمونه در فصل سوم این کتاب تحت عنوان جنگ سنج و هیئت حسن نیت بررسی شده است که در آن از آخوند احمد مفتی‌زاده به‌عنوان ناجی اهل سنت مردم نام برده شده است. در حالی که مفتی‌زاده یکی از جانین حکومتی بود که در همکاری با ارتش مستقر در پایان سنج به فرهادی سرهنگ ماشاءالله صفری فرمانده لشکر ۲۸ سنج، دستش به خون شهروندان سنجی آغشته شده بود و گروه مسلح مفتی‌زاده توسط کومله خلع سلاح گردید.

در همین فصل در صفحه ۵۹، «هیئت حسن نیت»، آمده است: «در اول فروردین سال ۱۳۵۸ چهار تن از اعضای «شورای انقلاب» مرکب از آقایان سیدمحمود طالقانی، سیدمحمد حسینی بهشتی، اکبر هاشمی رفسنجانی، ابوالحسن بنی‌صدر و احمد صدر حاج سیدجوادی (وزیر کشور) برای بررسی اوضاع و حل مشکلات به سنجندج رفتند. با حضور این افراد و نمایندگان گروه‌های سیاسی منطقه و سرهنگ صفری، عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد، ملا ابوبکر شفيعی امام جمعه بوکان، ملا عبدالله اما جمعه سقز و جلال‌الدین حسینی امام جمعه بانه جلسه‌ای در دورم فرودین در خانه معلم تشکیل گردید. غنی بلوریان و عبدالله حسن‌زاده به نمایندگی از حزب دموکرات به محل برگزاری جلسه رفتند. صدیق کمانگر از ورود آن دو به جلسه جلو گرفت. با داد و فریادی که بلوریان به راه انداخت، صدیق کمانگر به بلوریان به «خاطر سال‌ها مبارزه او علیه دیکتاتوری» اجازه ورود داد ولی همچنان مانع ورود حسن‌زاده شد. او گفت: «ماه به بعثی‌ها اجازه ورد نمی‌دهیم». این سخن صدیق کمانگر در واقع بر پیوند آشکار و پنهان حزب دموکرات کردستان با رژیم بعثی عراق تاکید می‌کرد. در این جلسه هر یک از نمایندگان گروه‌ها به تفصیل سخن گفتند. امام هنگامی که صدیق کمانگر از جانب شورای موقت انقلاب «سنجدج سخن گفت، آیت‌الله طالقانی خطاب به او گفت:

صدای شما برای من آشناست، تو کی هستی؟ صدیق در پاسخ گفت: من از طرف شورای شهر آمده‌ام. ایشان پرسید: شورای شهر منتخب مردم است؟ کمانگر پاسخ داد، خیر. این شورا را کومله و چریک‌ها تشکیل داده‌اند. آیت‌الله طالقانی گفت: ما شما را به‌عنوان نماینده مردم نمی‌شناسیم...

می‌بینیم که نویسنده این کتاب، چگونه واقعیت‌های تاریخی را بر اساس افکار و آرای جمهوری اسلامی تحریف می‌کند و به خورد عوام‌الناس می‌دهد.

همچنین جنگ نقد و کشتار مردم قارنا و ایندراش و غیره نیز تحریف می‌گردد و یا به کلی قلم گرفته می‌شود. البته این کتاب، همچنین واقعیت‌های سازمان‌هایی که از کومله و حزب کمونیست ایران جدا شده‌اند را وارونه نشان داده و تحریف کرده است.

در پایان این کتاب سرتاپا دروغ و ریا، تعدادی «اسناد؟!» با ادعای «اسناد ارتباط و نزدیکی این سازمان با مراکز اطلاعاتی و امنیتی عراق که پس از ورود ارتش امریکا و نیروهای متحدین در فروردین ۱۳۸۲ را اشغال و رژیم بعثی حاکم بر این کشور را سرنگون کردند، این اسناد به دست مردم افتاد که شماری از این اسناد در اختیار مراکز ایران قرار گرفت.» نویسنده کتاب، ادعا دارد این اسناد که بالغ بر هزاران برگ است عمق وابستگی کومله به رژیم بعثی را نشان می‌دهد. نادری طی چندسال گذشته، چند کتاب با موضوع تاریخچه گروه‌ها و سازمان‌های مارکسیستی ایران معاصر از جمله کتاب دو جلدی کتاب «چریک‌های فدایی خلق» را در سال ۱۳۸۷، کتاب «حزب دموکرات کردستان ایران» را در سال ۱۳۹۴ و کتاب «مائوئیسم در ایران» را در سال ۱۳۸۷ راهی بازار نشر کرده است.

جنایت‌های بی‌شمار جمهوری اسلامی ایران در کردستان

فرمان جهاد خمینی علیه مردم کردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، نخستین اقدام جنایت‌کارانه حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی بود.

روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ خمینی بینان‌گذار حکومت جهل و جنایت، ترور و اعدام، خشونت و جنگ، فرمان جهاد علیه مردم کردستان را صادر کرد و گفت: «به قوای نظامی، به پادگان‌ها دستور می‌دهم، به پاسداران انقلابی در هر محلی هستند به طرف سنجدج و کردستان حرکت کنند، بسیج شوند و با شدت، تمام اشرار را سرکوب کنند. تاخیر، ولو به قدر یک ساعت تخلف از وظیفه، به‌شدت تعقیب می‌شود.»

بدین ترتیب به فرمان خمینی، حمله وحشیانه لشکر اسلام از زمین و هوا علیه مردم کردستان بود. جنایتی که به فرمان خمینی و دستور بنی‌صدر رییس جمهور وقت و به‌همراه خلخالی ادمکش و سایر سران جنایتکار جمهوری اسلامی انجام دادند برای مردم کردستان و انقلابیون آن، یک واقعه فراموش‌شدنی نیست و از حافظه این جامعه پاک نخواهد شد. خمینی قبل از حمله سراسری به کردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، فرمان حجاب اجباری علیه زنان را صادر کرده بود و همچنین سرکوب شدید دانشجویان.

نوروز خونین سنج و توپ باران و خمپاره باران شهر را رقم زدند که در نتیجه این جنایت صدها نفر کشته و زخمی و شهر را ویران کردند.

این حکومت جانی جنبش مردم را در ترکمن صحرا به خاک و خون کشیدند. اعتراض کارگران را سرکوب و شوراها را کارگری را منحل و فعالین آن‌ها را دستگیر و زندانی و یا اعدام کردند. جنگ ملی میان مردم کرد و ترک را در شهر نقه به راه انداختند و صدها نفر توسط جانینان اسلامی ملاحسنی اما جمعه ارومیه، قتل‌عام و یا آواره شدند.

اعدام‌های اوایل انقلاب، پس از ۳۱ خرداد ۱۳۶۰، خرداد ۱۳۶۷ در سطح سراسری، جوانان انقلابی و خوش‌نام را اعدام کردند. در کردستان پروسه اعدام زودتر آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد. عمدتاً عضو کومله و دمکرات اعدام شدند.

اوج اعدام‌های کردستان بعد از ۲۷ مرداد سال ۱۳۵۸ صورت گرفت؛ زمانی که آیت‌الله خمینی دستور مشهور خود را برای مداخله نظامی تمام عیار در کردستان صادر کرد.

نیروهای مسلح پس از این دستور با تجهیزات کامل و سلاح‌های سنگین به کردستان یورش آوردند و نه تنها علیه نیروهای سیاسی، بلکه دست به کشتار مردم بی‌دفاع نیز زدند.

بعد از درگیری‌های کردستان به دستور آیت‌الله خمینی پای صادق خلخالی، رییس دادگاه تازه تأسیس انقلاب به کردستان باز شد. از ماکز کروایتز، خبرنگار فرانسوی که آن زمان در منطقه بوده نقل کرده است: «ارتش و سپاه پاسداران کنترل شهرهای کردستان را به دست گرفتند، خلخالی به دنبال آنها در حرکت بود، دادگاه‌های کوتاهی برگزار می‌کرد و دستو می‌داد اعدام به سرعت اجرا شوند.»

«او مردان و پسرها را طی چند روز و گاهی حتی چند ساعت بعد از دستگیری‌شان، بدون برگزاری محاکمات عادلانه و گویا به جرم فعالیت‌های ضد انقلابی، به اعدام محکوم می‌کرد.»

خلخالی خود در یکی از بحث برانگیزترین اظهاراتش گفته است: «من حاکم شرع بودم و پانصد و چند نفر از جانینان و سرسپردگان رژیم شاه را اعدام کردم و صدها نفر از عوامل غائله‌های کردستان و گنبد و خوزستان و شماری از عوامل اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر را هم کشتم.»

یکی از مشهورترین اعدام‌های خلخالی اعدام ۹ نفر در مریوان در رابطه با «کوچ اعتراضی» بود. ورود ارتش به شهر مریوان در مرداد ماه ۵۹ با خروج اعتراضی مردم این شهر برای جلوگیری از وقوع جنگ روبرو شد. بر اساس گزارشهای موثق تقریباً تمام ساکنان مریوان به مدت دو هفته به اردوگاهی در خارج از این شهر پناه بردند. بعدها در این رابطه ۹ نفر از جمله دو برادر عضو یک خانواده تیرباران شدند.

خلخالی که پیش‌تر در پاوه بود و بعد به مریوان رسید سپس به سنندج، سقز و دیگر شهرها رفت و افراد بسیاری را به جوخه‌های اعدام سپرد؛ احکامی که غالباً در مکان‌های عمومی و با طرح پرسش‌هایی سرپایی بدون امکان دفاع صادر می‌شد و در موارد زیادی همان‌جا هم به اجرا در می‌آمد.

اخبار برخی از این اعدام‌ها در نشریات سراسری منتشر می‌شد. روزنامه‌هایی مانند آیندگان، اطلاعات و کیهان در آن روزها شماری از اعدام‌ها را اعلام کردند.

زمینه اعدام‌های دهه شصت در کردستان به نخستین ماه‌ها و سال‌های انقلاب سال ۵۷ برمی‌گردد. علاوه بر اسناد احزاب و سازمان‌های کرد و اخبار رسانه‌ها، در روزهای ملتهب پس از انقلاب تصاویر تکان‌دهنده‌ای نیز از اولین اعدام‌های سیاسی کردستان به جا مانده که ابعاد آن را جهانی کرد.

در یکی از مشهورترین این عکس‌ها، ناصر سلیمی سمت راست با دست شکسته و چشمان بسته در قاب ایستاده است. در کنار او برادران ناهید هستند، گلوله خورده، معلق مانده میان زمین و هوا. مجله فرانسوی پاری ماچ، در شماره دوم، ۲۱ سپتامبر سال ۱۹۷۹ عنوان «کردها، زیر گلوله‌های الله» را برای این عکس برگزید. اعدام در پنجم شهریور ۱۳۵۸ در محوطه فرودگاه سنندج صورت گرفته بود. اعدام شده‌گان بیشتر از اعضای احزاب چپ گرای کردستان بودند.

در میان آن‌ها افرادی هم هستند که هیچ‌گونه وابستگی حزبی و سیاسی نداشته‌اند.



این عکس متعلق به عکاس ایرانی، جهانگیر رزمی است؛ عکسی که از آن به‌عنوان «افشاگرانه‌ترین عکس از اوایل انقلاب ایران» یاد شده است. رزمی، عکاس روزنامه اطلاعات در سال ۵۸، بعدها با این عکس مشهور شد و به‌خاطر ثبت این لحظه و خلق آن تصویر تکان‌دهنده، جایزه پولیتزر را از آن خود کرد.

ابعاد آن‌چه در سه سال اول بعد از انقلاب در کردستان اتفاق افتاد، بسیار فراتر از آمار و ارقامی است که نشریات سراسری و حتی مطبوعات خود احزاب کرد منتشر کرده‌اند.

از آغاز دهه شصت و زمانی که جمهوری اسلامی به تمامی تثبیت شد، دور دیگری از اعدام‌ها در کردستان آغاز شد. موج دستگیری فعالان سیاسی و مدنی در این دوره به اتهامات مختلف که عمدتاً مرتبط با عضویت و هواداری احزاب کرد است، در طول حیات جمهوری اسلامی کم نظیر بود.

بیشتر دستگیر شدگان این دوره، این‌بار، با محاکمه در یک نهاد قضایی به طناب دار و جوخه‌های اعدام سپرده شدند. تعداد زیادی از آن‌ها نیز بر اثر شکنجه و اعمال خشونت در زندان‌ها جان خود را از دست دادند. خانواده‌های زندانیان سیاسی و نهادهای مدافع حقوق بشر به ما می‌گویند که سیر محاکمه‌ها در این دوره بدون رسیدگی عادلانه صورت گرفته است.

همزمان با اعدام‌های گروهی در تابستان سال ۶۷، شمار دیگری از زندانیان در زندان‌های کردستان با مجازات مرگ روبه‌رو شدند که از تعداد دقیق آن‌ها نیز مانند موارد قبلی اطلاعی در دست نیست.

پیشینه چندین دهه مبارزه متفاوت مردم کرد از اعتراضات سراسری در زمان حکومت پهلوی، وجود احزاب قدرتمند و دارای نفوذ اجتماعی، فراگیری مطالبات کردها و منطقه‌ای بودن مسئله کرد، شاید از جمله دیگر دلایلی است که باعث توسل حکومت تازه یافته جمهوری اسلامی به سیاست اعدام در سال‌های آغازین انقلاب و دهه پس از آن شد.

یکی از تلاش‌هایی که حکومت برای پیدا کردن جای پایی در کردستان، سیاست سرکوب و اعدام را در کردستان پیش گرفت. در این راستا سپاه پاسداران نیز در همان دوره سازمان «پیشمرگان مسلمان کرد» یعنی «جاش» ها را تاسیس کرد.

این در حالی‌ست که شواهد نشان می‌دهد گفتمان کردها رنگ و بویی دینی یا مذهبی نداشته است. حتی برخی روحانیون کردستان آن زمان به نمایندگی شیخ عزالدین حسینی بخشی از قیام کردستان در هر دو دوره حکومت شاهنشاهی و نظام مذهبی بعدی بودند. این طیف حامل گفتمانی سکولاریستی و برابری طلب معتقد به جدایی دین از دولت بودند و هستند. حتی گروه مکتب قرآن به رهبری احمد مفتی‌زاده، که گروهی اسلامی و معتقد به تشکیل حکومت اسلامی بود و با جمهوری اسلامی نیز ابتدا موافق آن اما بعدها به بخشی از مخالفین جمهوری اسلامی تبدیل شدند.

بر اساس پاره‌ای مستندات، تعدادی از روحانیون پیرو شیخ عزالدین حسینی در آن دوره در حال جمع‌آوری امضاء برای طوماری دستگیر شدند که علیه مجازات مرگ زندانیان سیاسی تدوین شده بود. تعدادی از همین روحانیون نیز در همان سال‌ها از آیت‌الله خلیلی حکم اعدام گرفتند. این در حالی بود که رهبران مذهبی جمهوری اسلامی در صدد یافتن مستمسک‌های دینی برای توجیه احکام اعدام بودند.

آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در روز ۲۱ مرداد ۱۳۵۸، تنها یک هفته قبل از صدور دستور مداخله تمام عیار نظامی در کردستان، به گروهی از آموزگاران مسلمان در مورد یک «دشمن مشترک» اخطار داد و گفت: «این‌ها از اسلام می‌ترسند. این‌ها از قوانین اسلام می‌ترسند. این‌ها می‌خواهند که اسلام نباشد، گرچه هر چیز دیگری باشد و این توطئه است. از آن وقتی که توطئه شد دیگر ما نمی‌توانیم تا آخر تحمل کنیم و توطئه‌ها را بپذیریم. مسئله، مسئله اسلام است و مسئله مصالح مسلمین و اسلام. ما نمی‌توانیم مسامحه کنیم.»

تنها چند روز پس از این اظهار نظر نیروی‌های دولتی وارد کردستان شدند و جنگ کردستان آغاز شد. این هشدار را هم می‌توان تلاش دیگری برای توجیه سرکوب با توسل به «مصالح مسلمین» دانست. این اهداف و سیاست‌ها جنایتکارانه ضدانسانی آیت‌الله خمینی در طول حیات او، موجب اتخاذ و تثبیت سیاستی شد که کردها، که تا کنون نیز از مطالبات خود کوتاه نیامده‌اند، از سیاست اعدام و سرکوب مصون نمانند.



اعدام مردم در جلوی خانه‌ها و قتل‌عام قارنا

عاملین کشتار قارنا مورد بازجویی قرار نگرفتند و پادشاهی‌هایی نیز از جانب حکومت برای آنان در نظر گرفته شد. تعدادی از آن‌ها بعدها به پست‌های بسیار بالایی حکومتی چون وزیر و سفیر ارتقاء یافتند. اسامی برخی از جان‌باختگان قارنا بدین شرح است:

ملاحمود بهترزاده، سیدرحمان طاهری، سیدمحمدطاهری، سیداسماعیل طاهری، حاج سیدعلی طاهری، سیدکریم ارونندی، امینه شریفی اذر، حاجی رحمان شریفی اذر، عثمان شریفی اذر، مصطفی عزیزی، محمدعزیزی، محی الدین ابروشتن، حاج شریف ابروشتن، رحمان ایزن، رحمان سلیمانی، رحیم سلیمانی، کریم سلیمانی، قادرسلیمانی، عبدالله احمدپور، عمرباسی، جعفرباسی، مصطفی باسی، محمدشیرو، سلیمان حمزه پور، ابراهیم پویا، ابراهیم رسولی، علی(چوپان روستا)، حسن(نوجوان ۱۳ ساله اهل روستا مجور علی آباد)، زینب رامین، خانم خاتوزین رامین، کریم رامین، احمدرامین، رحمان رامین، خسروافشین، رسول خسروی، رحمان خسروی، سعیدخسروی، عبدالله خسروی، مرادخسروی، مصطفی خسروی، ابوبکرشیشمان، جعفرشیشمان، علی شیشمان، عزیزمرزنگ، احمد سعادتپور. اسامی جانباختگان قلاتان:

رمضان پنهار ۱۱ ساله، حاجی سیدحسن قدمی ۷۰ ساله، حاج محمد بایزیدی ۷۵ ساله، حاج رسول عبدالله ۶۰ ساله، عبدالله قربان ۵۰ ساله، عثمان درویش سلیم ۶۰ ساله، محمد کردی ۵۰ ساله، عثمان امانی ۳۰ ساله، محمد امین عباسی ۳۰ ساله، حسن حمزه کوکه ۲۲ ساله، احمد گلابی ۲۱ ساله، جلال بیدوخ ۱۸ ساله، عبدالله آه لیانی ۱۹ ساله، اسمعیل حمیدی ۱۵ ساله، قادر کورستمی ۳۵ ساله و رحمان مینه مورک ۳۵ ساله.

مهدی بهادران که از سوی حسینعلی منتظر مسئول تحقیق در مورد کشتار قارنا شد، در گزارش او که در روزنامه اطلاعات بعد از تأخیری یکماهه، در روز ۲۵ مهرماه ۱۳۵۸ به چاپ رسید، می نویسد:

«با تحقیقات مفصل که گزارشها و نوارهای موجود جوانمردان استخدامی ژاندارمری و مجاهد نماهای نقده تحت سرپرستی آقای معبودی و سرگرد نجفی در قارنا از توابع نقده حداقل ۴۵ نفر را بدون گناه قتل عام کرده در محل سکونت آنها و بعداً کشته ها را در بیابانها انتقال داده اند که وانمود نمایند در جنگ کشته شده اند و دهات را غارت کرده و به آتش کشیده اند و استوار بیگلری در کویلو ۵ نفر را کشته و این در اثر بی لیاقتی یا خیانت و توطئه فرماندهان ژاندارمری از یکسو و تحریک احساسات ضد کردی و بیدار شدن روح انتقامجویی بر ضد کردهای معصوم از سوی دیگر است. متأسفانه با این که عاملین این کشتار شناخته شده اند به علت حمایت ظهیرنژاد(فرمانده لشکر ۴۶ ارومیه) از مفسدین محلی امکان دستگیری و مجازاتشان نیست.

اعدامهای کردستان سالها بعد از آن و خصوصاً پس از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و ۶۸ نیز با شدت بیشتری ادامه داشت.

پیکر اعدامشدگان دهه شصت عمدتاً در قبرستانهایی با نام «لعنت آباد» در شهرهایی مانند بیجار، قروه و کرمانشاه به خاک سپرده شدند؛ جایی که شبیه به گورستان خاوران در تهران است. قبرستانهایی که کم و بیش در تمام شهرهای عمده کردنشین دیده می شوند. برخی از قربانیان در کنار برخی از قبرستانهای عمومی که محل اجرای احکام آنها نیز بوده است به خاک سپرده شده اند.

ابعاد آنچه در سه سال اول بعد از انقلاب در کردستان اتفاق افتاد، بسیار فراتر از آمار و ارقامی است که نشریات سراسری و حتی مطبوعات خود احزاب کرد منتشر کرده اند.

در جمع بندی لازم به یادآوری است که خاک پاشیدن به چشم جامعه و جلوگیری از دیدن و خواندن واقعیت های تلخ و یا شیرین تاریخی است و عملی تبهکارانه. اما حکومت های مستبد و دیکتاتور، همواره تاریخ را در راستای منافع خود دستکاری کرده و اجازه نداده اند مردم واقعیت های تاریخی را بشناسد.

کومله پس از ۹ سال و چند ماه فعالیت مخفی، به دنبال جانباختن رفیق «محمد حسین کریمی» از بنیان‌گذاران کومله که در گرماگرم انقلاب مردم ایران علیه حکومت شاه، در پیشاپیش صفوف مردم در شهر سقز قرار گرفته بود، در روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، در حمله به شهربانی این شهر هدف گلوله ماموران حکومت شاه قرار گرفت و متأسفانه در روز ۲۶ بهمن جانباخت؛ در واقع کومله رسماً فعالیت علنی خود را از همین روز آغاز کرد.

مقاومت کومله در مقابل دشمنان انقلاب مردم و دوستان رنگارنگ و دروغین کارگران و زحمتکشان تحسین‌برانگیز بود. دفاع از دهقانان در برابر مالکان، دفاع از زحمتکشان روستا در مصادره اراضی، دفاع از زنان در برابر ارتجاع حاکم و فرهنگ و سنت‌های پوسیده مردسالارانه، دفاع از کارگران در برابر سرمایه‌داران، دفاع از مسلح‌مندان مردم و تلاش برای مسلح کردن زحمتکشان، تشکیل و ایجاد انواع تشکل و جمعیت و اتحادیه دهقانان، شورای زنان و دانش‌آموزان، و به میدان آوردن وسیع و گسترده توده‌های مردم در مقابل تهدیدهای جمهوری اسلامی بود. سرانجام لشکرکشی جمهوری اسلامی به کردستان با فرمان خمینی، در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ آغاز شد. سازمان‌دهی حرکت توده‌ای بزرگی همچون کوچ تاریخی مردم شهر مریوان و راه‌اندازی تظاهرات و راهپیمایی‌ها علیه لشکرکشی جمهوری اسلامی به کردستان و کشتار مردم حق‌طلب و آزادی‌خواه این منطقه، موجب شدند تا کومله بتواند بعد از این لشکرکشی نظامی جمهوری اسلامی نیز پرچمدار مقاومت توده‌ای و مبارزه مسلحانه مردم کردستان در مقابل یورش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی گردد.

کومله با مشارکت فعالانه در پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران که زمینه‌های فکری، سیاسی و برنامه‌ای آن در کنگره دوم کومله در بهار ۱۳۶۰ و کنگره اول سازمان اتحاد مبارزان کمونیست فراهم شده بود، در پاسخ‌گویی به یک ضرورت سیاسی-تاریخی مهم در یکی از حساس‌ترین لحظات حیات جنبش کمونیستی ایران، نقش برجسته‌ای ایفا کرد. کومله در شرایطی که انقلاب ۵۷ مردم ایران زیر ضربات حکومت ضدانقلاب اسلامی آخرین نفس‌های خود را می‌کشید، دوش‌به‌دوش نیروهای رادیکال کمونیست‌های ایران در شهریور ۱۳۶۲، حزب کمونیست ایران را تأسیس کرد. اما متأسفانه حزب کمونیست ایران و کومله در سال‌های بعد، دچار بحران‌ها و کشمکش‌های حاد درونی خود روبه‌رو شده و به چندین انشعاب منجر شده است.

متأسفانه محافلی که از کومله جدا شده‌اند هم اکنون چندین جریان به‌نام «کومله» فعالیت دارند و این موضوع نیز شناخت تاریخی و کنونی از این جریان را برای افکار عمومی سخت‌تر کرده است. اما کومله اصلی، همچنان به نام سازمان کردستان حزب کمونیست ایران- کومله فعالیت دارد که دبیرکل آن نیز رفیق ابراهیم علیزاده است. البته اخیراً باز هم انشعابی در این جریان روی داده که هم اکنون دو جریان سیاسی به نام حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان حزب کمونیست ایران- کومله فعالیت دارند.

اکنون چهار ماه است که کشته شدن «مهسا امینی»، دختر جوان ۲۲ ساله کرد توسط نیروهای جمهوری اسلامی، رمزی با شعار «زن، زندگی، آزادی» برای آغاز اعتراضات سراسری مردم ایران علیه بیش از چهار دهه حاکمیت استبدادی در کشور شده است.

در ۴۳ سال گذشته، تنها ابزار جمهوری اسلامی برای مقابله با اعتراضات، کشتار معترضین بوده است. در اعتراضات اخیر، بار دیگر جمهوری اسلامی برای بقا خود دست به کشتار مردان، زنان و کودکان ایران زد که در این بین، مردم تحت ستم ساکن در کردستان و بلوچستان، با شدیدترین سرکوب‌ها و کشتارها مواجه شدند.

جمهوری اسلامی در طول عمر خود به دفعات و بهانه‌های مختلف، مردم کردستان ایران را مورد هدف تیر قرار داده و به قتل رسانده است. از جمله این موارد، خبر کشته شدن کولبران کرد توسط نیروی انتظامی یا سپاه است که به کرات

در طی این سال‌ها شنیده شده است. اما اکنون جنبش انقلابی جوانان ایران، نشان داده است که جمهوری اسلامی با نفرت عمومی مردم ایران و جهان مواجه شده و در سرایشی سقوط قرار گرفته است؛ بنابراین دیر و یا زود از هم خواهد پاشید و مردم ایران و حتی منطقه نفس راحتی خواهند کشید.

همان‌طور که اشاره شد هدف اصلی طراحان انتشار چنین کتاب‌هایی در ایران، ضربه‌زدن به نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی و تبرئه جمهوری اسلامی آدمکش و تبه‌کار است البته خالی از طرح واقعیت‌ها و حقایق تاریخی! سه‌شنبه بیستم دی - جدی - ۱۴۰۱ - دهم جنوری ۲۰۲۳

*علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را از کتاب‌فروشی و نشر ارزان در استکهلم - سویدن، با آدرس زیر سفارش دهند و یا مستقیماً تهیه کنند:

Adress: Helsingforsgatan 15
Telefon: 070-492 69 24
Email: info@arzan.se